

## رابطه عکس و واقعیت در نظریه شفافیت کندال والتون (مطالعه موردی: واقعیت در عکس‌های مسجد نصیرالملک)

### چکیده

در عکاسی، رابطه بیننده با واقعیت پیچیده است. درک مخاطب، نوع ارتباط و دریافت حسی او از واقعیت بستگی به عوامل مختلفی دارد. عکس به مثابه یک دریچه به دنیای واقعی عمل کرده و از ورای آن، ارتباطی نزدیک با واقعیت برقرار می‌شود. کندال والتون، نظریه‌ای از عکاسی به مثابه «امر شفاف» ارائه می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که عکس‌ها به چشم‌های مصنوعی شبیه هستند و می‌توان از دریچه آن‌ها دید، زیرا آنچه را از این طریق می‌بینیم به جهان واقعی وابستگی دارد. والتون ارتباط میان عکس و صحنه به تصویر کشیده را وابستگی طبیعی توصیف می‌کند و رابطه علی میان عکس و سوژه را دال بر نظریه شفافیت می‌داند. در عکس‌های مسجد نصیرالملک بحث شفافیت و واقعیت مطرح است. عکس‌ها در نور طبیعی محیط گرفته شده‌اند و از واقعیت، وضوح و شفافیت برخوردارند. برای کسانی که این عکس‌ها را مشاهده می‌کنند، احساس واقعی از حضور در این محل تداعی می‌شود و واقعیت معماری مسجد را شفاف می‌بینند. منظور از شفافیت در عکاسی، که به متمایزترین وجهی عکاسانه بوده و مهم‌ترین توجیه را برای سخن گفتن از واقع‌گرایی ارائه می‌کند، همین است. در این پژوهش، تلاش شده مفهوم واقعیت در عکس‌ها با توجه به نظرات والتون و نمود آن در مسجد نصیرالملک بررسی شود. روش انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. سرانجام درمی‌یابیم که تصور ما از واقعیت، وابسته جهانی است که ما آن را به میانجی سنج‌های تاریخی-فرهنگی بر ساخته‌ایم.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی چگونگی ایجاد واقع‌گرایی در عکاسی براساس آراء والتون.
۲. بررسی نظریه شفافیت و واقعیت والتون در عکس‌های مسجد نصیرالملک.

### سؤالات پژوهش:

۱. واقع‌نمایی در عکاسی از منظر کندال والتون را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟
۲. شفافیت و واقعیت در عکس‌های مسجد نصیرالملک چگونه ادراک می‌شود؟

کلیدواژه‌ها: شفافیت، عکاسی، کندال والتون، مسجد نصیرالملک، واقع‌گرایی.

## مقدمه

آثار تأثیرگذار کندال والتون اگستره‌ای در باب فلسفه هنر، بازنمایی تصویری، داستان تخیلی، احساسات، وضعیت هستی‌شناختی القاب و عناوین داستانی، زیبایی‌شناسی موسیقی، استعاره و ارزش زیباشناختی را دربر می‌گیرند. وی همچنین، به اتکای این ایده که دیدن ما از طریق عکس همچون دیدن ما از طریق تلسکوپ یا آینه شفاف است، گزارشی از عکاسی به‌مثابه «امر شفاف» ارائه و بسط می‌دهد. این مفهوم ابتدا توسط آندره بازن<sup>۲</sup> و کریستین متز<sup>۳</sup> بیان شده، و به‌صورت کامل‌تر در نوشته‌های فیلسوف معاصر کندال والتون مورد بحث قرار گرفته است. دو مقوله عینیت و واقع‌گرایی و پیوند آن‌ها با عکاسی از بدو پیدایش آن، این هنر را از دیگر هنرهای تصویری و تجسمی متمایز کرده است. عکس به‌لحاظ فنی و زیباشناختی با آنچه در برابر لنز دوربین قرار می‌گیرد، رابطه‌ی منحصربه‌فرد و متمایزی دارد که دیگر اشکال بازنمایی تصویری از آن بی‌بهره‌اند. کندال والتون واقع‌گرایی را مفهومی با چهره‌های بسیار در نظر می‌گیرد و معتقد است عکاسی تنها به یک چهره بسنده نمی‌کند. از نگاه او، مهارت عکاسانه متضمن صورت‌گری دقیق و ظرایف بافت، سایه، و بازتاب است. به سادگی، چیزهای ساده و پیش پا افتاده را شکار می‌کند و رقم می‌زند، و ژرف‌نمایی را به‌کار می‌گیرد. ویژگی «مکشوف‌سازی واقعیت» ظرفیتی است که عکاسی را در جایگاهی درخور توجه قرار می‌دهد. شفافیت از منظر والتون در مورد همه عکس‌ها به‌طور قطع قابل تعیین نیست و بهتر است درجه‌ای از شفافیت را برای هر یک در نظر بگیریم، رابطه‌ی مخاطب با عکس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که چگونه می‌تواند با واقعیت ارتباط برقرار کند، و تجربیات حسی و روان‌شناختی او چگونه است. هدف این پژوهش رویکرد به واقع‌گرایی در عکاسی و پاسخ به این پرسش است که واقع‌گرایی در عکاسی از منظر کندال والتون و نمود شفافیت و واقعیت در عکس‌های مسجد نصیرالملک را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ والتون با استدلالی مشابه با استدلال رولان بارت اما به‌گونه‌ای دیگر می‌گوید، اینکه عکس معلول ابژه‌های حاضر در عکس است به ما امکان می‌دهد تا آنچه را در آن وجود داشته ببینیم. اهمیت این پژوهش از اینجا ناشی می‌شود که واقعیت در عکاسی مفهومی پیچیده به‌نظر می‌رسد و پاسخ‌های گوناگونی دریافت کرده است.

مسجد نصیرالملک شیراز یکی از معدود مساجد جهان است که طراحی داخلی آن با شیشه‌های رنگی، این مکان را به یک اثر هنری تحسین برانگیز تبدیل کرده است و نمودی رؤیایگونه به آن داده است؛ به‌طوری‌که که هر مخاطبی حتی اگر به این مسجد نیامده باشد با دیدن عکس‌های آن به وجد می‌آید، گویی با دیدن این عکس‌ها خود را در این مکان تصور می‌کند و همان احساس حضور برایش تداعی می‌شود که این به‌دلیل شفافیت عکس‌ها است: ما از ورای عکس‌ها می‌بینیم. به‌عبارت دیگر، عکس‌ها به‌مثابه‌ی دریچه‌هایی به دنیای واقعی عمل کرده و از ورای آن‌ها، ارتباطی نزدیک با واقعیت برقرار می‌شود. عکس‌های مسجد نصیرالملک که در نور طبیعی محیط گرفته شده‌اند، از واقعیت، وضوح و شفافیت برخوردارند. برای کسی که این عکس‌ها را مشاهده می‌کند، احساس واقعی از حضور در این محل تداعی می‌شود و واقعیت معماری در خشت‌به‌خشت مسجد نصیرالملک را با شفافیت می‌بیند. در عکس‌های مسجد نصیرالملک به‌دلیل وجود عمق بالا، شاهد ترکیب‌شدن عناصر پیش‌زمینه و پس‌زمینه هستیم که خواست و نیت عکاس در به چشم‌آوردن شفافیت فضاهای اطراف را نمایان می‌کند. رنگ‌های درخشان، گرم و سرد در واقعیت و وضوح تصویر نقش بسزایی دارند. به‌عبارتی، عکس‌های مسجد نصیرالملک بازنمایی از آن است. بنابراین، ضروری است این مسئله از منظر

<sup>۱</sup> Kendall Walton (۱۹۳۹, Age ۸۴ years)

<sup>۲</sup> André Bazin (۱۹۱۸-۱۹۵۸)

<sup>۳</sup> Christian Metz (۱۹۳۱-۱۹۹۳)

کندال والتون که شفافیت را به‌عنوان خصوصیت اصلی و متمایزکننده رسانه عکاسی مشخص ساخته، مورد بررسی دقیق قرار گیرد. به‌نظر می‌رسد، درک مخاطب، نوع ارتباط و دریافت حسی او از واقعیت بستگی به عوامل مختلفی دارند. اگر مخاطب نتواند بفهمد که عکس چگونه تولید شده است، نمی‌تواند تصمیم بگیرد که کدام جنبه از واقعیت را از ورای عکس می‌تواند ببیند. آنگاه مخاطب ممکن است درجه شفافیت یا کدر بودن عکس را در ذهنش تنظیم کند و به آن رنگی از واقعیت ببخشد. در ارتباط با واقعیت، تجربیات حسی و روان‌شناختی مخاطب نیز تأثیرگذار است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است، زیرا هدف آن، بررسی همه جانبه نظریه شفافیت در آثار عکاسانه واقع‌گرا، «رابطه رسانه عکاسی و واقعیت»، و واقع‌گرایی در عکس‌ها از منظر والتون و همچنین وجود این واقع‌گرایی در عکس‌های مسجد نصیرالملک است.

پژوهش‌ها و تألیفات کمی در زمینه شفافیت عکس‌ها در عکاسی به‌وسیله پژوهشگران معاصر در ایران صورت گرفته که از آن میان می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره کرد: ازهری‌راد (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود «نقش تکنولوژی در رابطه میان بازنمایی و واقعیت در رسانه‌های دیداری معاصر»، سینما و دیگر رسانه‌های دیداری از جنبه تأثیر فناوری بر بازنمایی و واقعیت را بررسی می‌کند. تاریخ‌مندی ظهور هستی از منظر هایدگر و ماهیت تکنولوژی مطرح گردیده، و در مباحث ارتباطی به مک لوهان توجه شده، و به ژان بودریار به‌عنوان ملتقای فلسفه و رسانه پرداخته شده است. در تحلیل فناوری و ابزارهای آن، به ویژگی‌های شبیه‌سازی دیجیتال، قابلیت تکثیر فراوان تصویر، اشاره شده و رابطه میان بازنمایی تصویری و مرجع آن در واقعیت بررسی می‌گردد.

ایرانی‌نژاد مقدم (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود با عنوان «مقایسه مقوله بازنمایی در دو رسانه عکاسی و نقاشی»، مقوله بازنمایی از جنبه اصطلاح‌شناسی، و مقوله هنر از دیدگاه افلاطون و ارسطو را بررسی می‌کند. بازنمایی طبیعت و هنر دوره رنسانس، و سیر تطور نقاشی به عکاسی مورد کنکاش قرار می‌گیرند، نظام‌های این دو مقایسه گردیده و نمونه‌های آن در تاریخ هنر، و تأثیر و تأثر نقاشی و عکاسی مورد تأکید واقع شده‌اند.

## نتیجه‌گیری

نظر به اینکه «واقعیت» پایگاهی تاریخی-فرهنگی دارد، دیگر نه یک «واقعیت‌غایی»، بلکه «واقعیت‌های بسیار» خواهیم داشت. ما در عصر جهان‌های بی‌شمار به‌سر می‌بریم، یک چارچوب ارجاع خاص یک جهان خاص را تعریف می‌کند. مسلم‌انگاری چارچوب ارجاع خاص خودمان، و یکسان‌گرفتن آن با واقعیت، یک خطای راهبردی است. تصور ما از واقعیت، طفیل و وابسته جهانی است که ما آن را به میانجی سنج‌های تاریخی-فرهنگی بر ساخته‌ایم. این جهان و این واقعیت، «یک جهان و یک واقعیت» بر ساخته است. از این نظرگاه، درجه صدق و کذب یک چیز به ادراکات ما بستگی دارد. والتون در مورد عکاسی مدعای شایسته و درخور خود را که اصطلاحاً نظریه شفافیت نامیده می‌شود بدین‌گونه مطرح می‌سازد که اختراع دوربین عکاسی موجد شیوه‌های نوین در ساخت تصویر شد. این ابزار نوین شیوه‌های تازه را به ارمغان آورد که باعث تغییر و تحول در «شیوه دیدن» شد، بدین‌گونه که در لحظه نگرستن به عکس همان چیزهایی را می‌بینیم که دوربین ثبت و تصویرشان کرده است. بنابراین ما از دریچه عکس‌ها با جهان تماس ادراکی داریم، عکس‌ها شفاف هستند.

والتون ارتباط میان عکس و صحنه به تصویر کشیده را «وابستگی طبیعی، مبتنی بر طبیعت» توصیف می‌کند، زیرا اگر صحنه تغییر کند عکس هم تغییر می‌کند. والتون این رابطه سببی و علی میان عکس و سوژه را دال بر نظریه شفافیت

می‌داند و اظهار می‌دارد ظرفیت‌های گوناگون عکاسی نباید این قابلیت مهم که عکس‌ها ما را در تماس ادراکی با جهان قرار می‌دهند مخدوش کنند، حتی هر عکس فوری تیره و بد نور خورده که تفصیل اندکی را تصویر می‌کند و اطلاعات اندکی را عرضه می‌دارد، می‌تواند مدعی این قابلیت باشد. منظور از شفافیت در عکاسی، که به متمایزترین وجهی عکاسانه بوده و مهم‌ترین توجیه را برای سخن گفتن از واقع‌گرایی ارائه می‌کند، همین است. دیدن یک شیء نیازمند برقراری رابطه سببی با آن است؛ بنابراین اگر تجارب دیداری شیء توسط شخص تحت تاثیر باورهای شخص دیگری قرار بگیرند، از بین می‌روند. به این دلیل است که ما اشیاء درون یک تابلو را نمی‌بینیم، زیرا پس از گذر از صافی ذهن نقاش در برابر دید ما قرار دارند. به باور والتون عکس‌ها به چشم‌های مصنوعی شبیه هستند و از دریچه آن‌ها این امکان برای ما مهیا می‌شود که نوع صحیحی از تماس ادراکی میانجی شده با اشیاء دیداری داشته باشیم؛ بنابراین دیدن نگهبان از طریق دوربین مداربسته، تماشای رویدادهای ورزشی از تلویزیون با پخش تأخیری، دیدن انفجار یک سیاره میلیون‌ها سال نوری پیش‌تر از طریق دوربین نجومی نمونه‌های خوب دیگری برای «دیدن» هستند. تفاوت اساسی در باورهای ناهمگون به تصویر و عکس از خاستگاه رسانه‌ای آن‌ها ناشی می‌شود. واکنش ما به عکس‌ها، درست همان انتظاری است که از این رسانه می‌رود، به عبارت دیگر، از منزلت و مکانت خاصی ناشی می‌شود که به تصویر عکاسانه منسوب است؛ بنابراین، تنوع خاستگاه تصویرها امکان شناخت بهتر نقاط قوت منحصر به فرد و یگانه عکاسی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

مسجد نصیرالملک شیراز یکی از معدود مساجد جهان است که طراحی داخلی آن با شیشه‌های رنگی، این مکان را به یک اثر هنری تحسین برانگیز تبدیل کرده است، و مکانی شناخته شده به واسطه عکس‌هایش به شمار می‌رود. عکس‌های مسجد نصیرالملک در نور طبیعی محیط گرفته شده‌اند؛ این نکته علاوه بر واقعی نشان دادن عکس‌ها، بر شفافیت آن‌ها نیز افزوده است. به خصوص برای کسانی که این عکس‌ها را می‌بینند، واقعیت و شفافیت عکس‌ها و احساس حضور در محل مسجد تداعی می‌شوند؛ به طوری که معماری و سازه و زیبایی چشم‌نواز و خیره‌کننده بازی نور و رنگ در مسجد نصیرالملک را با وضوح و شفافیت بالایی جلوی چشمان خود می‌بینند. عکس‌ها در واقع بازنمایی‌هایی از مسجد به شمار می‌روند و از عمق بالایی برخوردار هستند. نکته آخر اینکه منظور از بررسی رابطه عکس و واقعیت در عکس‌های مسجد نصیرالملک به چشم آوردن واقعیت‌های وجودی آن از طریق تصویر بوده است، و این مهم در تصاویر و عکس‌های مسجد نصیرالملک به خوبی بازتاب یافته و محقق گردیده است.

### فهرست منابع و مآخذ

برت، تری. (۱۳۹۰). نقد عکس، درآمدی بر درک تصویر. ترجمه: اسماعیل عباسی و کاوه میرعباسی، چاپ پانزدهم، تهران: نشر مرکز.

پاکباز، رویین. (۱۳۹۰). دایره‌المعارف هنر. چاپ یازدهم، تهران: فرهنگ معاصر.

پرهام، سیروس. (۱۳۴۵). رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات. چاپ چهارم، تهران: انتشارات نیل.

حاجی قاسمی، کامبیز؛ بهنود، جمشید. (۱۳۷۴). «یادگاری از گذشته-مسجد نصیرالملک شیراز». نشریه صفا، دوره پنجم، شماره ۱، ۱.

زمانپور، گلناز؛ پورعزیز، زهرا؛ حسینی، پروانه؛ روانشادنی، سمیه. (۱۳۹۵). «بررسی حس معنویت ایجاد شده ناشی از تلفیق نور و رنگ در مسجد نصیرالملک شیراز». کنفرانس دو سالانه جامعه و معماری معاصر، ۱۶-۱.

ساجکوف، بوریس. (۱۳۶۲). تاریخ رئالیسم: پژوهشی در ادبیات رئالیستی از رنسانس تا امروز. ترجمه: محمدتقی فرامرزی، تهران: نشر تندر.

سکولا، آلن. (۱۳۷۷). «درباره ابداع معنای عکاسانه». ترجمه: کاوه میرعباسی، عکسنامه، شماره ۳، ۲۵-۱۲.

غفوری، سیده شیوا؛ پورمافی، امیرهاشم. (۱۳۹۵). «حکمت و تجلی نور در مساجد ایرانی (نمونه موردی مسجد نصیرالملک شیراز)». همایش ملی فناوری در مهندسی کاربردی باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، ۸-۳.

فرایدی، جاناتان. (۱۳۸۴). «شفافیت و تصویر عکاسانه». ترجمه: کیهان ولی‌نژاد، فصلنامه هنر، شماره ۶۴، ۱۱۵-۱۰۴.

کروچه، بندتو. (۱۳۵۸). کلیات زیباشناسی. ترجمه: فواد روحانی، چاپ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مولن، لزی. (۱۳۹۳). «حقیقت در عکاسی». ترجمه: مهرداد پارسا، ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت ۹۶، سال نهم، شماره ۱، ۲۸-۲۶.

نادری، ناهید. (۱۳۹۷). «نور و رنگ از منظر حکمت هنر اسلامی در مسجد نصیرالملک شیراز». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی ارم شیراز.

Cole, K. C. (۱۹۹۸). *The Universe and the Tea cup: the mathematics of Truth and Beauty*, New York: Harcourt Brace and co.

Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English (۱۹۷۴). Oxford University Press, New edition, Realism, ۷۱۲.

Walden, S. (۲۰۰۸). "Truth in photography", in *photography and philosophy Essays on the Pencil of Nature*, ed. (Oxford: Blackwell ۲۰۰۸), chapter ۴: pp. ۹۱-۱۱۰.

Walton, K L. (۲۰۰۸). "Transparent Pictures", in *photography and philosophy Essays on the Pencil of Nature*, ed. (Oxford: Blackwell ۲۰۰۸), chapter ۱: pp. ۱۴-۴۹.